



تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی^۱

The Experience of Elementary Male Students from Descriptive Assessment

D. Mohammadi, E. FathiAzar (Ph.D), Y. Adib (Ph.D)

دل‌آرام محمدی^۲، دکتر اسکندر فتحی آذر^۳،
دکتر یوسف ادیب^۴

Abstract This study was conducted with aim of investigating profound experience of elementary male students in the fourth and fifth grades from the descriptive assessment. To this purpose, the method qualitative and phenomenological methods were employed to address the research questions. The purposeful sampling was used with regard to the nature and objectives of the study. The collected data were saturated by interviewing with 9 students. The final data were analyzed by Smith's Analysis Method and MAXQDA10 software and the obtained results were summarized and categorized as 5 themes and several subthemes. These themes included: "positive perception of descriptive assessment", "negative perception of descriptive assessment", "appropriate for bottom grades" pleasant for lazy students parents "and" harmful for lazy students". The findings of this study could guide authorities to examine the conditions of descriptive assessment, as well as the advantages and disadvantages. This could encourage and facilitate the attempts toward improvement and solving the current problems for eliminating or replacing this method.

Keywords: descriptive assessment, elementary students experience

چکیده: در این پژوهش تجربیات عمیق دانش‌آموزان پسر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی از اجرای طرح سنجش توصیفی به شیوه کیفی و از نوع پدیدارشناسی بررسی شد. با توجه به ماهیت پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که با مصاحبه عمیق ۹ دانش‌آموز، داده‌های اخذ شده به اشباع رسید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده علاوه بر تحلیل دستی داده‌ها به روش اسمیت، از نرم‌افزار MAXQDA10 به عنوان یک شیوه کمکی در وارد کردن داده‌ها استفاده شد. یافته‌های حاصل از تجارب این افراد در ۵ مضمون اصلی "ادراک مثبت از سنجش توصیفی"، "ادراک منفی از سنجش توصیفی"، "مناسب پایه‌های پایین"، "متضرر شدن دانش‌آموزان ضعیف" و "مورد پسند والدین دانش‌آموزان ضعیف" و چندین مضمون فرعی خلاصه شد. این یافته‌ها می‌توانند تصویری گویا از چگونگی برنامه توصیفی در حال اجرا، معایب و مزایای آن در اختیار مسوولین و برنامه‌ریزان قرار دهد. تا در جهت رفع اشکالات و بهبود، حذف یا جایگزینی این طرح اقداماتی انجام دهند.

واژگان کلیدی: سنجش توصیفی، پدیدارشناسی،
تجارب دانش‌آموزان ابتدایی

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "تجارب دانش‌آموزان ابتدایی از ارزشیابی توصیفی" است.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۶

۲. دانشجوی دکتری رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز، رایانامه: delarammohamadi23@gmail.com

۳. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، رایانامه: e-fathiazar@tabrizu.ac.ir

۴. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، رایانامه: yousef_adib@yahoo.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین فرآیندهای یادگیری آن است که فراگیران در جریان یادگیری احساس مسئولیت کنند. برای برآورد چنین امری سوق دادن آنها به خودارزیابی ضروری است. چنانچه کاستا وکالیک هدف نهایی آموزش را تربیت دانش‌آموزانی می‌داند که بتوانند هر زمان که لازم باشد خودشان را سنجش کنند. و اگر دانش‌آموزان هنگامی که فارغ-التحصیل می‌شوند، در تشخیص خوب و بد و حل مسائل روزمره زندگی خود به نظر دیگران متکی باشند؛ تمام مقوله‌های آموزشی زیرسوال می‌رود، در این صورت اهداف عالی آموزش نادیده گرفته می‌شود. پس سنجش جز مهم و اصل فرایند یاددهی-یادگیری محسوب می‌گردد که معمولاً به دو صورت تراکمی (امتحانات پایانی) و تکوینی (مرحله‌ای) انجام می‌گیرد. سنجش تکوینی در طول دوره آموزشی و در پایان هر واحد درسی به منظور سنجش میزان دستیابی به اهداف آن واحد درسی اجرا می‌شود که هدفش بررسی نقایص یادگیری دانش‌آموزان و اصلاح آنها است. که موجب شناسایی به موقع افراد ضعیف شده و فرصت عالی برای مداخله را فراهم می‌کند (ادوارد و پائول^۱، ۲۰۱۷). ولی در سنجش تراکمی آموخته‌های دانش‌آموزان در پایان یک دوره آموزشی مورد سنجش قرار می‌گیرد که هدف آن قبول یا رد افراد است، که پس از آزمون فرصت جبران کمی برای افراد وجود دارد (سیف، ۱۳۸۲). چنان که وقتی ارزیابی‌ها در نمرات نهایی خلاصه می‌شود، ممکن است رقابت، اضطراب و تمایل به پاداش‌های بیرونی را به جای پاداش درونی در یادگیری تشویق کند. اما سنجش تکوینی می‌تواند محیط یادگیری غیر ارزشیابانه را پرورش داده و همکاری را بین دانش-آموزان تقویت نماید، زیرا دانش‌آموزان می‌توانند بدون متحمل شدن مجازات تحصیلی حاصل از سنجش پایانی، مطالب درسی را یاد بگیرند (رولف و مک فرسون^۲، ۱۹۹۵). از طرف دیگر در سنجش تراکمی دیدگاه رفتارگرایی یعنی کاهش‌گرایی حاکم است؛ به این صورت که برای پی بردن به یادگیری کلی، می‌توان آن را به اجزا تبدیل نموده و

^۱. Edward & Paul

2. Rolfe & McPHERSON

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

توسط نمونه‌هایی از آزمون‌های مختلف چنین امری را محقق ساخت. در حالی که دیدگاه سازنده‌گرایی آن را قبول نکرده و معتقد است جهت پی‌بردن به یادگیری و اهداف پیچیده، باید کل فرآیند مورد بررسی قرار گیرد.

از این رو شورای عالی آموزش و پرورش، تصمیم گرفت که مقیاس‌های کمی دهی به مقیاس‌های کیفی تغییر یابد. و سنجش توصیفی را همسو با دیدگاه سازنده-گرایی، در دوره ابتدایی پیشنهاد نمود. شاید دلیل توجه به دوره ابتدایی را می‌توان در نتایج مطالعات سازمان توسعه و همکاری اقتصادی یافت که مشخص شده، کیفیت نظام آموزشی و به ویژه آموزش ابتدایی، محور بنیادین رشد اقتصادی پایدار، کاهش فقر، افزایش ظرفیت پاسخگویی به فضای رقابتی کار و فناوری در جهان امروز و به‌طور کلی، رفاه عمومی کشورها است (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی ۲۰۱۱). سنجش توصیفی شیوه‌ای از سنجش تحصیلی-تربیتی است که اطلاعات لازم، معتبر و مستند برای شناخت دقیق و همه‌جانبه فراگیران در ابعاد مختلف یادگیری، با استفاده از ابزارها و روش‌های مناسب مانند پوشه‌کار، آزمون‌ها (با تاکید بر آزمون‌های عملکردی) و مشاهدات در طول فرایند یاددهی-یادگیری به دست می‌آید؛ تا بر اساس آن بازخوردهای توصیفی مورد نیاز برای کمک به یادگیری و یاددهی بهتر در فضای روانی و عاطفی مطلوب برای دانش‌آموز، معلم و اولیا حاصل آید (حمزه‌بیگی و همکاران، ۱۳۹۴). تا دانش‌آموزان بتوانند با انعکاس بازخورد، برای هدایت یادگیری خود در آینده، شناسایی نقاط ضعف و قوت، و درک انتظارات معلمان خود استفاده نموده و معلمان هم بتوانند برای ارزیابی و اصلاح آموزش خود و نیز نظارت بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان خود استفاده کنند (لارسن، باتلر و رودیگر، ۲۰۰۸).

تاکنون چندین پژوهش کیفی در زمینه سنجش توصیفی انجام گرفته است. از نظر پژوهشگران، طرح سنجش توصیفی با کاهش اضطراب حاصل از امتحانات پی-درپی، کاهش رقابت و تقویت همکاری در بین فراگیران، می‌تواند در بهداشت

روانی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد (لوکاس و مورفی^۱، ۲۰۰۷). نتایج تحقیق کمی-کیفی نیک نژاد (۱۳۸۶) حاکی از افزایش بهداشت روانی ناظر به دانش‌آموزان شامل مولفه‌هایی نظیر سلامت روحی، کاهش استرس، اضطراب امتحان و اضطراب مدرسه، افزایش میزان علاقه‌مندی و روحیه نشاط در دانش‌آموزان است. تحقیقی کیفی دیگر توسط زمانی فرد، کشتی آرای و میرشاه جعفری (۱۳۸۹) با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با معلمان ابتدایی انجام گردید. این پژوهش در سه مفهوم محوری: ۱- فرآیند یاددهی - یادگیری، ۲- بهداشت روانی و ۳- حیطه‌های مختلف شخصیت دانش‌آموزان دسته‌بندی شد. معلمان در جریان آموزش و اجرای طرح تجارب مثبت و منفی زیادی را به دست آورده‌اند که بر ادراک آنها از طرح تأثیر داشته است. نتایج این پژوهش کیفی نیز بیانگر کاهش اضطراب دانش‌آموزان، حذف رقابت‌های ناسالم، ارتباط بیشتر معلم و دانش‌آموز، کاهش تقلب، افزایش اعتماد به نفس، افزایش همکاری، سازگاری و صمیمیت بین دانش‌آموزان مشمول طرح است. همچنین معلمان، علاقه-مندی بیشتر به درس، معلم و مدرسه، لذت از یادگیری و مشارکت و فعالیت زیاد دانش-آموزان را از تأثیرات اجرای طرح دانسته‌اند. به طور کلی، ارتقاء میزان همکاری و کارگروهی بین دانش‌آموزان، کاهش رقابت، افزایش مشارکت دانش‌آموزان در بحث و گفتگو، حذف اضطراب امتحان و مطابقت بیشتر با استانداردهای سنجش، از مزایای اجرای سنجش توصیفی است (صالحی، بازرگان، صادقی و شکوهی یکتا، ۱۳۹۴).

از طرفی نتایج پژوهش کیفی انجام شده توسط حسنی (۱۳۹۳) نشان داد که از نگاه معلمان در نظام سنجش سنتی، نمره برای دانش‌آموزان همانند تقویت‌کننده‌ای مثبت عمل می‌کرد که در نظام کیفی به این مسئله توجهی نشده است. و معلمان سه مشکل ابزارهای سنجش توصیفی را شامل عدم دقت، وقت‌گیر بودن و نیاز به تمرین برای پرکردن فرم‌ها دانسته‌اند (ابزارهای سنجش). نامناسب بودن فضا و امکانات مدرسه برای اجرا و عملیاتی کردن طرح (جو کلاسی)، قرار گرفتن معلم در جایگاهی ضعیف در مقایسه با سنجش سنتی (جایگاه معلم) و نیاز به تدارکات و همچنین تمهیداتی در جهت اجرای بهتر طرح (تدارکات) و سرانجام عدم توجیه و ناآگاهی والدین باعث سردرگمی

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

و در پی آن ایجاد انتظارات نابه‌جا در والدین شده است (نگاه والدین). پژوهش کیفی صالحی و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته جهت تحلیل عمیق تجربه زیسته معلمان، موجب شناسایی و دسته‌بندی شش آسیب احتمالی برای دانش‌آموزان نظیر «پرورش نامطلوب دانش‌آموزان با سطح سواد ناکافی»، «پرورش نامطلوب دانش‌آموزان بی‌انگیزه نسبت به پیشرفت تحصیلی»، «عدم امکان کسب شناخت دقیق دانش‌آموزان شایسته و توانمند»، «پرورش نامطلوب دانش‌آموزان با مسئولیت‌پذیری پایین»، «ناشناخته ماندن ضعف‌های دانش‌آموزان و در نتیجه عدم رفع آنها» و «بروز احساس بی‌لیاقتی و کاهش اعتماد به نفس در برخی دانش‌آموزان» در مدرسه گردید. همچنین برزگر و دانافر (۱۳۹۱) در پژوهشی به مقایسه الگوهای یادگیری سازگار در مدارس مجری سنجش توصیفی و نظام سنتی پرداخته‌اند. آنها اینگونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که دانش‌آموزان نظام سنجش توصیفی در اکثر خرده مقیاسهای الگوهای یادگیری سازگار نسبت به دانش‌آموزان سنجش سنتی برتری ندارند، این عدم برتری احتمالاً نشانگر آن است که اجرای طرح سنجش توصیفی کاملاً موفق نبوده است.

نمونه‌هایی که از پژوهش‌های کیفی در سنجش توصیفی مطرح شد، نتایج ناهم‌آهنگی رادر مورد آثار سنجش توصیفی و چگونگی تحقق اهداف آن نشان می‌دهند. همچنین در این پژوهش‌ها و اکثر پژوهش‌های کمی انجام یافته (بهمن، کیامنش و ابوالمعالی، ۱۳۹۲؛ داودی و شکرالهی، ۱۳۹۰؛ کرملیان، جعفری‌هرندی و عبادی، ۱۳۹۲) به اهمیت و نقش خود فراگیران کمتر توجه شده است. و تجارب خود دانش‌آموزان در این زمینه لحاظ نشده است، از سویی چون دانش‌آموزان ابتدایی دریافت‌کننده و به عبارتی مصرف‌کنندگان اصلی سنجش توصیفی می‌باشند، پس در بررسی چگونگی روند اجرای طرح و تهیه یک بازخورد شفاف و صادقانه، آنها اولین و مناسب‌ترین گزینه قابل تحقیق و بررسی در این زمینه هستند. با توجه به موارد ذکر شده و اینکه درک و تفسیر تجارب دانش‌آموزان مهمترین منبع اطلاعاتی برای بررسی موضوع مورد نظر است و پژوهش کیفی روش سودمندی برای بررسی عمیق این تجارب می‌باشد، در این پژوهش تلاش شد با استفاده از

رویکرد پدیدارشناسی، تجربه عمیق دانش‌آموزان از سنجش توصیفی مورد بررسی قرارگیرد. پدیدارشناسی، در واقع مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است. پدیدارشناسی به جهان، آن‌چنان که به وسیله یک فرد زیسته می‌شود، نه جهان یا واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد، توجه دارد. و می‌کوشد معانی را آن‌چنان که در زندگی روزمره زیسته می‌شوند، آشکار نماید (حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۹۴). از این لحاظ پژوهش حاضر تلاشی در جهت فهم تجربیات دانش‌آموزان از سنجش توصیفی است. و نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند به عنوان یک بازخورد مهم و اساسی از نحوه عملکرد سیستم سنجش توصیفی در خدمت معلمان و نظام آموزشی قرار گیرد. به این صورت که بررسی تاثیرات اجرای نظام سنجش آموخته‌ها در کیفیت یادگیری دانش‌آموزان بعد از گذشت یک دهه از اجرای آن می‌تواند در افزایش شناخت و کارآمدی آن نقش اساسی داشته باشد. از این رو هدف اصلی در پژوهش حاضر کسب درک عمیقی از تجارب دانش‌آموزان از کیفیت و اثرات اجرای سنجش توصیفی بود. بدین منظور سوال اصلی این است که دانش‌آموزان ابتدایی چه ادراکی نسبت به سنجش توصیفی دارند؟

روش شناسی

هدف این پژوهش، توصیف و فهم عمیق تجربه‌های دانش‌آموزان پسر دوره دوم مدارس ابتدایی ناحیه دو شهر تبریز از اجرای طرح سنجش توصیفی در سال ۱۳۹۴ بود. که به روش کیفی و از نوع پدیدارشناسی انجام گرفت. پدیدارشناسی به بررسی تجارب انسان‌ها آن‌گونه که هستند و ادراک می‌شوند، می‌پردازد. و به این سوالات پاسخ می‌دهد که پدیده تجربه شده چیست؟ و برای افراد چه معنایی دارد؟ لذا برای بررسی پدیده سنجش توصیفی و درک معنای آن نزد دانش‌آموزان ابتدایی، از میان جامعه در دسترس جهت کسب غنی‌ترین اطلاعات و با توجه به هدف پژوهش، بین چندین مدارس بررسی اولیه انجام گردید و مشخص شد که از بین آنان یکی از مدارس دارای اطلاعات خوب است و می‌تواند اهداف پژوهش را پوشش دهد و لذا بخاطر غنی بودن اطلاعات، از همان مدرسه نمونه‌گیری شد که جهت آشنایی خوانندگان با بافت پژوهش، ویژگی‌ها و اطلاعات مدرسه مورد نظر جهت عینیت‌بخشی در جدول ۱ آورده شده است. نمونه

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

پژوهش به حجم ۹ نفر، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با لحاظ پایه‌های متفاوت و وضعیت پیشرفت تحصیلی و سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی انتخاب شد. جالب اینکه نمونه‌گیری در هفتمین نفر به اشباع رسید و اطلاعات دیگری به دست نیامد. اما علی‌رغم آن، دو نفر دیگر نیز وارد نمونه گردید تا از عدم حصول اطلاعات تازه اطمینان به عمل آید. و از آنجا که پژوهش حاضر پدیدارشناسی است نه گراند‌تئوری، پس این تعداد اطلاع‌رسان کافی به نظر رسید. سپس از طریق انجام مصاحبه عمیق با افراد نمونه، داده‌ها جمع‌آوری شدند. در مصاحبه از دانش‌آموزان خواسته شد تا تجربه‌های خود از اجرای طرح سنجش توصیفی را بیان کنند. مصاحبه زمانی به اتمام می‌رسید که نقطه ابهامی برای پژوهشگر باقی نمانده بود که به روشن‌گری نیاز داشته باشد. مصاحبه‌ها ضبط، سپس بر روی کاغذ پیاده می‌شد و برای بالا بردن دقت کار نسخه‌ها با نوار مقایسه می‌شد. درگیری مداوم و طولانی-مدت پژوهشگر جهت جمع‌آوری اطلاعات، تجارب قبلی و ارتباط پژوهشگر با افراد شرکت‌کننده و به‌ویژه با موضوع پژوهش، تلفیق شیوه‌های مختلف گردآوری داده‌ها مثل مصاحبه، مشاهده و خاطره‌گویی و تلفیق گردآورندگان متفاوت در جمع‌آوری، گزارش‌دهی، رمزگذاری و تحلیل داده‌ها می‌توانند نشان از مقبولیت داده‌های پژوهش باشند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده علاوه بر تحلیل دستی داده‌ها به روش اسمیت، از نرم‌افزار MAXQDA10 به عنوان یک شیوه کمکی در وارد کردن داده‌ها استفاده شد. که یک نرم‌افزار تخصصی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و آمیخته است. این نرم‌افزار در تحلیل انواع داده‌ها مانند word، pdf، عکس، فایل‌های اسکن شده و... مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول ۱- اطلاعات مربوط به بافت پژوهش

مضمون اصلی	مضامین فرعی به تفکیک گروه‌ها
وضعیت کلی مدرسه	مدرسه مورد نظر دولتی و تازه ساخت بوده که دارای ۱۸ کلاس با امکانات آموزشی معمولی است. و به صورت تک شیفت اداره می‌شد. از نظر اجتماعی در یکی از مناطق متوسط شهر تبریز واقع شده و به دلیل مهاجرپذیر بودن این منطقه، دانش‌آموزانی را از فرهنگ‌های مختلف در خود جای داده است.
دانش‌آموزان	دانش‌آموزان در دامنه سنی ۱۰-۱۳ قرار داشتند و از نظر سطح پیشرفت تحصیلی در حد متوسط و بالاتر از حد متوسط بودند که از دوره اول ابتدایی توسط شیوه توصیفی مورد سنجش قرار گرفته بودند و آشنایی کاملی با این شیوه داشتند.
والدین دانش‌آموزان	سطح طبقه اجتماعی و اقتصادی والدین در حد متوسط بوده و میزان سواد آنها در دامنه مدرک ابتدایی تا لیسانس قرار داشت که بیشترشان دارای مدرک دیپلم بودند.
کارکنان مدرسه	مدرسه دارای یک مدیر، چهار معاون و ۱۸ معلم با مدارک لیسانس و فوق لیسانس است و در دامنه سنی از ۲۷-۴۵ قرار داشتند. که در امور مربوط به مدرسه و کلاس درس با یکدیگر همکاری لازم را داشته و یک جو صمیمی در مدرسه حاکم بود. معلمان در تدریس خود بیشتر از روش‌های تدریس سخنرانی و پرسش و پاسخ استفاده می‌کردند. و از کارپوشه و بیشتر از روش مدادکاغذی (اوراق امتحانی) جهت سنجش دانش‌آموزان استفاده می‌کردند.

یافته‌های تحقیق در تحقیق حاضر مضامین اصلی و فرعی متناسب با داده‌ها و به تفکیک گروه‌ها، بعد از تحلیل و کدگذاری به وسیله نرم افزار استخراج، و در جدول ذیل ارائه شده است.

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

جدول ۲- مضامین اصلی و فرعی به تفکیک گروه‌ها

مضامین فرعی به تفکیک گروه‌ها		مضمون اصلی
دانش‌آموزان متوسط و ضعیف	دانش‌آموزان قوی	
کاهش رقابت جهت پیشرفت- کاهش سطح بهینه استرس (بی خیالی)- ارفاق به‌ویژه برای دانش‌آموزان ضعیف- افزایش قبولی غیرواقعی دانش‌آموزان ضعیف- کاهش میزان تلاش و جبران ضعف خود- غیرواقعی بودن نمرات- نمرات غیر واقعی- عدم تمایز دانش- آموز قوی از ضعیف	کاهش رقابت جهت پیشرفت- کاهش سطح بهینه استرس (بی خیالی)- ارفاق به‌ویژه برای دانش‌آموزان ضعیف- افزایش قبولی غیرواقعی دانش‌آموزان ضعیف- یکسان در نظر گرفتن بازه‌ای از نمرات- کاهش میزان تلاش و جبران ضعف خود- کاهش علاقه- غیرواقعی بودن نمرات- ایجاد خوشحالی الکی- ابهام در نمره‌دهی- عدم تمایز دانش‌آموز قوی از ضعیف- نبود ملاک روشن و مطلق قبولی- عدم ارایه تصویر روشن از وضعیت تحصیلی به والدین و دانش‌آموزان- نامفهوم بودن برای افراد پیر و بی‌سواد	۱- ادراک منفی
امکان ارفاق سرکلاس و امتحانات پایانی- افزایش تلاش برای کسب نمره بدون ارفاق- دریافت تشویق والدین در اثر مشخص نبودن نمره دقیق- افزایش علاقه به خاطر ناآشناکار ساختن نمرات کم- کاهش رقابت- کاهش تمسخر دوستان- راحت شدن قبولی- عادت به این نوع سنجش و احساس آرامش در آن		۲- ادراک مثبت
افت تحصیلی بیشتر- بی توجه و بی خیال شدن دانش‌آموزان ضعیف سرکلاس	نوعی سرپوش بودن- افت تحصیلی بیشتر- بی‌سواد بار آمدن- دادن قبولی غیرواقعی و به کمک معلمان- بی- توجهی و بی‌تفاوتی معلمان به کیفیت آموزشی آنها	۳- متضرر شدن دانش‌آموزان ضعیف
	ایجاد شادی با کتمان میزان غلط‌ها- دریافت تشویق والدین در اثر وجود ابهام در نمره واقعی	۴- مناسب پایه- های پایین تحصیلی
جلوگیری از هزینه دوباره (کاهش هزینه- ها)- احساس غرور کاذب- پوشش ضعف فرزندان		۵- مورد پسند والدین دانش- آموزان ضعیف

همان طور که جدول ۲ نشان می دهد، تجارب دانش آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی شامل ۵ مضمون اصلی «ادراک منفی»، «ادراک مثبت»، «متضرر شدن دانش - آموزان ضعیف»، «مناسب پایه های تحصیلی پایین» و «مورد پسند والدین دانش آموزان ضعیف»، می باشد. و هر یک از این مضامین اصلی در هر یک از گروه های دانش آموزان قوی و دانش آموزان متوسط و ضعیف دارای مضامین فرعی است. البته باید گفت که برخی از مضامین مختص گروه خاصی است و تجارب گروه دیگر حاوی آنها نمی باشد. و این گروه بندی از ابتدا جزو اهداف پژوهش نبوده و پس از کدگذاری نهایی و بررسی وضعیت تحصیلی هر یک از دانش آموزان به کمک معلمان، پژوهشگر متوجه شکل گیری خودبخودی گروه بندی دانش آموزان در ارائه نظرات شده است که قابل توجه می باشد. جهت توضیح بیشتر هر یک از این مضامین اصلی، در ادامه نمونه تجربه های دانش - آموزان با استفاده از کدهای ۱ تا ۹ در داخل پرانتز ذکر شده است.

نمونه تجربه های دانش آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی در مضمون

اصلی ادراک منفی از سنجش توصیفی

می توان گفت که قریب به اتفاق دانش آموزان، تجارب خود را صادقانه و بی باکانه در آغاز مصاحبه و در دل یک جمله کوتاه "توصیفی خوب نیست و من آن را دوست ندارم" خلاصه می کردند. از نگاه هر دو گروه از دانش آموزان، اجرای سنجش توصیفی مشکلات فراوانی به ارمغان آورده که در نظام نمره دهی نمی توانستند عرض اندام کنند. آثار سوء کاهش رقابت جهت پیشرفت، کاهش سطح بهینه استرس (بی خیالی) امکان ارفاق به ویژه برای دانش آموزان ضعیف، و متعاقبا افزایش غیر واقعی قبولی آنها، یکسان در نظر گرفتن بازه ای از نمرات، کاهش علاقه به مدرسه و درس و کاهش میزان تلاش و جبران ضعف خود، را وقتی می توان دریافت که آنها می گویند: "توصیفی رقابت را خیلی کم کرده است. من معتقدم که کمی استرس و جو رقابتی لازم است، که در توصیفی از بین رفته است" (کد ۴). و "درسته توصیفی استرس مرا کم کرده ولی این در کل به نفع خودمان نیست. چون باور داریم با ۳ غلط نمره خیلی خوب می گیریم. که این نوعی ارفاق است و همه دانش آموزان مطمئن هستند که به آنها ارفاق خواهد شد. و

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

من می‌گویم که توصیفی برای دانش‌آموزان ضعیف خوب است چون در همه درس‌ها به آنها ارفاق می‌شود و آنها ارفاق را دوست دارند" (کد ۱). دانش‌آموزان قوی ابراز می‌داشتند که "در توصیفی تعداد مردودی‌ها خیلی کم شده است و من دوست داشتم دانش‌آموزان ضعیف در کلاس ما نبودند چون آنها وقت ما را می‌گیرند و من این را از توصیفی می‌دانم. اگر مدل قدیمی نمره‌دهی بود آنها نمی‌توانستند وارد کلاس من شوند" (کد ۲). و "الان بیشتر بچه‌ها به زور والدین به مدرسه می‌آیند ولی اگر توصیفی از ابتدایی برداشته شود علاقه دانش‌آموزان به درس بیشتر می‌شود توصیفی باعث تلاش بیشتر نمی‌شود چون در مدل قدیمی سنجش اگر دانش‌آموزی مثلاً ۱۳ می‌گرفت، تلاش می‌کرد خود را به فردی که ۱۵ گرفته برساند. ولی این دو نمره در توصیفی یکسان در نظر گرفته می‌شود" (کد ۹).

دیگر مضامین فرعی‌ای که ذهن فعال و باریک‌بین دانش‌آموزان از آنها غافل نمانده بود، شامل غیرواقعی بودن نمرات، ایجاد خوشحالی الکی، ابهام در نمره‌دهی، عدم تمایز دانش‌آموز قوی از ضعیف، نبود ملاک روشن و مطلق قبولی، عدم ارایه تصویر روشن از وضعیت تحصیلی به والدین و دانش‌آموزان و نامفهوم بودن برای افراد پیر و بی‌سواد می‌باشد. "وقتی در توصیفی مثلاً ۲ اشتباه داریم معلم نمره خیلی خوب می‌دهد و من خوشحال می‌شوم در حالی که اگر روش قدیمی ارزشیابی بود من ۱۸ می‌شدم. و هیچ وقت برای گرفتن این نمره شادی نمی‌کردم. توصیفی بچه‌های بزرگتر را الکی شاد می‌کند" (کد ۷). همچنین بیان می‌شد که "در توصیفی اصلاً معلوم نیست چند گرفتی و فرق ز رنگ و ضعیف معلوم نیست یعنی فاصله و تفاوت دانش‌آموزان را به خوبی نشان نمی‌دهد. ما در کلاس به خودمان نمره می‌دادیم تا تفاوت‌مان از هم معلوم شود. توصیفی نمی‌تواند قبولی یا رد شدن را به روشنی برای دانش‌آموزان بیان کند چون خیلی‌ها با گرفتن نمره قابل قبول از سوی معلمان به مقاطع بالاتر بروند. آدم وضعیت تحصیلی خودش را نمی‌داند. حتی والدین هم از آن آگاهی دقیقی نمی‌توانند پیدا کنند. ولی اگر مدل قدیمی بود وضعیت من مشخص می‌شد و می‌توانستم پیشرفت کنم و والدین هم با آگاهی از نمره‌های کم به فکر رشد و پیشرفت بچه‌های خود می‌افتادند. و افراد پیر و بی‌سواد هم اصلاً

معنی نمرات خوب و خیلی خوب را نمی‌دانند و آنها فکر می‌کنند وقتی من نمره عالی گرفتم دانش‌آموز خوبی هستم و فقط ۲۰ و ۱۹ را می‌شناسند برای دانش‌آموز خوب بودند" (کد ۴).

نمونه تجربه‌های دانش‌آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی در مضمون

اصلی ادراک مثبت از سنجش توصیفی

شاید هر پژوهشگر کم تجربه‌ای با اندک تاملی در تجارب ملفوظ و مکتوب دانش‌آموزان، متوجه گروه‌بندی خودبخودی آنها می‌شد؛ عده‌ای که فقط جنبه انتقادی گرفته بودند و در زمره دانش‌آموزان قوی قرار داشتند. ولی در میان آنها دانش‌آموزانی متوسط و ضعیفی بودند که به نکات مثبت اجرای سنجش توصیفی هم اشاره می‌کردند. اعم از امکان ارفاق سرکلاس و امتحانات پایانی، افزایش تلاش برای کسب نمره بدون ارفاق، افزایش علاقه به خاطر ناآشکار ساختن نمرات کم، دریافت تشویق والدین در اثر مشخص نبودن نمره دقیق، کاهش رقابت، کاهش تمسخر دوستان، راحت شدن قبولی، عادت به این نوع سنجش و احساس آرامش در آن. این دانش‌آموزان بیان کردند که "توصیفی به خاطر ارفاقی که در آن به آدم می‌شود، خوب است. مثلاً وقتی ۲ غلط داری خیلی خوب می‌گیری ولی در مدل قبلی ۱۸ می‌گرفتی و یا اینکه اگر در مدل قبلی نمره -دهمی در امتحان پایانی ۹ می‌گرفتی باید در شهریور دوباره امتحان می‌دادی ولی در توصیفی قبولی می‌گیری و آن به نظر من خیلی خوب است. وقتی به من ارفاق می‌شود خوشحال شده و دفعه بعد تلاش می‌کنم تا نمره بدون ارفاق بگیرم. در نظام قبلی اگر مثلاً فرد نمره ۱۲ می‌گرفت، از شوق و علاقه می‌افتاد. ولی در توصیفی که ارفاق می‌شود آدم در درسش جلو می‌افتد و من که نمره خوب را به جای ۱۲ می‌گیرم از سوی والدینم تشویق می‌شوم" (کد ۸). و نکته جالب اینکه دانش‌آموزان متوسط و ضعیف کاهش رقابت را برخلاف دانش‌آموزان قوی یک عامل مثبت و تقویت کننده می‌دانستند. "رقابت را توصیفی کاهش داده است و کلاً رقابت بین دانش‌آموزان خوب نیست چون باعث تمسخر و درگیری بین دوستان می‌شود" (کد ۶). راحت شدن قبولی و عادت به سبک ارزیابی توصیفی وقتی استنباط می‌شود که یکی از آنها بیان می‌کند که "چون قبولی در توصیفی راحت است من به درس اهمیت زیادی نمی‌دهم چون می‌دانم که

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

قبولم و چون از سبک ارزشیابی قدیمی اطلاعاتی ندارم و از طرفی هم توصیفی را یاد گرفته و به آن عادت کرده‌ام، دوست دارم توصیفی ادامه یابد" (کد ۵).

نمونه تجربه‌های دانش‌آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی در مضمون

اصلی متضرر شدن دانش‌آموزان ضعیف

حس غرور آمیخته به تأسف به آدم دست می‌داد، وقتی می‌دید دانش‌آموزان دلسوزانه و همدلانه و صد البته موشکافانه در مورد ظلمی که در حق دانش‌آموزان ضعیف سیستم آموزش و پرورش با اجرای نسنجیده طرح سنجش توصیفی، روا داشته می‌شود، صحبت می‌کنند. نوعی سرپوش بودن، افت تحصیلی بیشتر، بی‌سواد بار آمدن، دادن قبولی غیرواقعی به کمک معلمان، بی‌توجهی و بی‌تفاوتی معلمان به کیفیت آموزشی آنها بی‌توجه و بی‌خیال شدن دانش‌آموزان ضعیف سرکلاس، جوهره صحبت‌هایی بود که می‌گفتند: "این دانش‌آموزان بیچاره با این که فکر می‌کنند توصیفی به نفع آنهاست و کار خوبی است که به آنها قبولی الکی می‌دهند ولی کلاً به ضرر آنهاست چون آنها در این حالت تلاش نخواهند کرد و روز به روز از درس عقب می‌افتند. و کم‌کم بی‌سواد بار می‌آیند. چون وقتی آنها قبول می‌شوند بیشترشان با کمک معلم‌هاست و در واقع معلمان برای از سر واکندن به آنها همین طوری قبولی می‌دهند و به آموزش آنها توجه نمی‌کنند و کاملاً بی‌تفاوت هستند" (کد ۹). همچنین دیگر نکته جالب دیگری که یکی از دانش‌آموزان متوسط از لحاظ تحصیلی اشاره کرد این بود که "در توصیفی دوستان مان و دانش‌آموزان ضعیف در حین تدریس و تمرین ما را به حرف می‌گیرند ولی اگر مدل قدیمی بود آن وقت خودشان هم مجبور بودند به درس گوش دهند و تمرین کنند ولی با بی‌خیالی، الان سرکلاس می‌نشینند چون می‌دانند به آنها قبولی می‌دهند" (کد ۸).

نمونه تجربه‌های دانش‌آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی در مضمون

اصلی مناسب پایه‌های پایین تحصیلی

به نظر دانش‌آموزان قوی سنجش توصیفی به دلایل ایجاد شادی با کتمان میزان غلط‌ها و دریافت تشویق والدین در اثر وجود ابهام در نمره واقعی، مناسب کودکان

کم سن و سال مقاطع اول و دوم ابتدایی است. "توصیفی برای بچه‌های کم سن خوب است. چون آنها شاد می‌شوند وقتی مثلاً نمره ۱۷ آنها معادل نمره خیلی خوب در توصیفی است. و یا وقتی نمره خوب می‌گیرند (یعنی معدل نمرات ۱۴، ۱۵ و یا ۱۶) والدین آنها آنان را تشویق می‌کنند. ولی اگر نمره آنها واضح بود آنها را برای نمره ۱۴ تشویق نمی‌کردند" (کد ۷).

نمونه تجربه‌های دانش‌آموزان ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی در مضمون اصلی موردپسند والدین دانش‌آموزان ضعیف

برخی از دانش‌آموزان ضعیف اظهار داشتند که والدین دانش‌آموزان ضعیف به دلایل جلوگیری از هزینه دوباره (کاهش هزینه‌ها)، احساس غرور کاذب و پوشش ضعف فرزندان آنها خواهان ادامه یافتن اجرای سنجش توصیفی در مدارس هستند. "والدین دانش‌آموزان ضعیف دوست دارند توصیفی باشد چون به بچه‌های آنها ارفاق می‌شود و ضعف شان معلوم نمی‌شود. و آنها پیش اقوام و فامیل خود احساس غرور می‌کنند الکی. و از طرفی چون معلمان به فرزندان آنها قبولی می‌دهند، آنها دیگر مجبور به هزینه گذاری دوباره (در صورت مردودی) نیستند" (کد ۸).

جدول ۳ - خلاصه تجربه‌های دانش‌آموزان از اجرای طرح سنجش توصیفی

مضمون عمده	نمونه تجربه
۱- ادراک منفی	چون در نمره ارفاق نیست استرس هم زیاد است ولی توصیفی، استرس طبیعی ما را از بین برده است. در توصیفی فاصله و تفاوت دانش‌آموزان از هم مشخص نیست (کد ۴). چون در توصیفی می‌دانم که قبول می‌شوم به درس خواندن اهمیت نمی‌دهم (کد ۴). دانش‌آموزان ضعیف در کلاس وقت ما را می‌گیرند و فکرمان را مشغول می‌کنند و این از آثار توصیفی است و آنها با ارفاق وارد کلاس من شده‌اند (کد ۳).
۲- ادراک مثبت	من توصیفی را دوست دارم و می‌خواهم در راهنمایی هم ادامه پیدا کند چون والدینم بخاطر کسب نمره خوب (بجای ۱۴) مرا تشویق می‌کنند (کد ۶). در کل توصیفی خوب است چون با ارفاقی که به من می‌شود باعث پیشرفت من در دفعات بعدی می‌شود (کد ۳) توصیفی رقابت را کاهش داده است ولی کلا رقابت بین دانش‌آموزان خوب نیست چون باعث تمسخر یکی که کم گرفته می‌شود (کد ۵).
۳- متضرر شدن دانش‌آموزان ضعیف	توصیفی به ضرر ضعیف‌هاست با اینکه فکر می‌کنند به نفع آنهاست و فکر می‌کنند که کار خوبی است که در توصیفی به آنها قبولی الکی می‌دهند (کد ۴). دانش‌آموزان ضعیف بی‌سواد بار می‌آیند (کد ۱). وقتی آنها قبول می‌شوند، به کمک معلمان قبول می‌شوند و در واقع به آنها قبولی می‌دهند (کد ۹).
۴- مناسب پایه‌های پایین تحصیلی	توصیفی برای بچه‌های کم سن خوب است چون آنها شاد می‌شوند وقتی مثلا نمره ۱۷ آنها در توصیفی معادل نمره خیلی خوب می‌شود (کد ۲). آنها با گرفتن نمرات خوب و خیلی خوب که باعث پنهان ماندن میزان غلط آنها می‌شود، خوشحال می‌شوند (کد ۹).
۵- مورد پسند والدین دانش‌آموزان ضعیف	چون به دانش‌آموزان ضعیف قبولی داده می‌شود پس والدین آنها مجبور به هزینه دوباره برای تکرار پایه نیستند (۵) والدین دانش‌آموزان ضعیف دوست دارند توصیفی ادامه یابد چون به بچه‌های آنها ارفاق می‌شود و ضعف آنها معلوم نمی‌گردد (کد ۶).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق بررسی تجارب دانش‌آموزان ابتدایی دوره دوم از اجرای طرح سنجش توصیفی بود. بدیهی است که اجرای هر طرح و برنامه‌ای، نیازمند تهیه اهداف کاملاً مشخص و از پیش تعریف شده، بسترسازی مناسب اجرای طرح، پیش‌بینی مسائل و مشکلات احتمالی ناشی از اجرا و فراهم سازی برخی راه‌حل‌ها برای این مشکلات احتمالی است که در صورت عدم توجه کافی به این موارد، مسلماً طرح یا برنامه خاص به موفقیت نمی‌رسد و نهایتاً افراد در بررسی و بازبینی یک طرح ناموفق در حال اجرا و دادن یک بازخورد، به آسیب‌ها و نکات منفی آن اشاره می‌کنند. و اولین و مهم‌ترین یافته این تحقیق نیز حاکی از وجود برخی مشکلات اساسی ناشی از اجرای این طرح در دیدگاه دانش‌آموزان بود. از قبیل کاهش رقابت جهت پیشرفت، کاهش سطح بهینه استرس (بی‌خیالی)، ارفاق به‌ویژه برای دانش‌آموزان ضعیف، افزایش قبولی غیرواقعی دانش‌آموزان ضعیف، یکسان در نظر گرفتن بازه‌ای از نمرات، کاهش میزان تلاش و جبران ضعف خود، کاهش علاقه، غیرواقعی بودن نمرات، ایجاد خوشحالی الکی، ابهام در نمره‌دهی، عدم تمایز دانش‌آموز قوی از ضعیف، نبود ملاک روشن و مطلق قبولی، عدم ارایه تصویر روشن از وضعیت تحصیلی به والدین و دانش‌آموزان و نامفهوم بودن برای افراد پیر و بی‌سواد. اکثر دانش‌آموزان نمونه تحقیق و همه دانش‌آموزان قوی خواستار حذف سنجش توصیفی و جایگزینی آن با نظام سنجش سنتی بودند، چرا که سیستم آموزشی و سنجش در پایه‌های بالاتر به‌ویژه کنکور، جهت ورود به زمینه‌های تحصیلی و مشاغل مورد علاقه، مبتنی بر شایستگی است و کسانی وارد موقعیت‌های خاصی می‌شوند که سواد و یا مهارت لازم و کافی در آن زمینه به دست آورده باشند. و به زمان صرف شده و مورد نیاز برای کسب آنها، اهمیت نمی‌دهد. از این رو سنجش توصیفی مورد پسند اکثر دانش‌آموزان و والدینشان نیست. به اعتقاد این دانش‌آموزان در نظام سنتی آگاهی والدین از میزان نمرات فرزندان، خود باعث مراقبت همواره آنها از وضعیت تحصیلی بچه‌ها و یک قوه محرکه و تقویت کننده مثبت در رشد و پیشرفت درسی به حساب می‌آمد ولی اکنون در سنجش توصیفی با حذف تقریباً کامل این فشار اولیا، تمایل دانش‌آموزان به درس و مدرسه هم کم شده است. همچنین بررسی تجارب

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

دانش‌آموزان نشان می‌دهد که کاهش و یا حذف حساسیت به نمره، برخلاف نظر برخی مسئولین نه تنها مطلوب نیست، بلکه می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری از قبیل بی‌خیالی و بی‌توجهی، بی‌انگیزگی و افت تحصیلی را در پی داشته باشد. بر اساس اصل تشویق و تنبیه دیدگاه رفتارگرایان، خود نمره به عنوان یک ملاک روشن و دقیق، و آگاهی دهنده و پیامدی از عملکرد دانش‌آموز، ذاتاً حالت تشویقی و تنبیهی دارد. و در موارد لازم کودک را تشویق یا وادار به تلاش بیشتر و جبران ضعف خود می‌کند. بدیهی است که همه روانشناسان بر استفاده از اصل تشویق در تربیت کودک توجه می‌کنند ولی استفاده از تنبیه را در موارد ضروری انکار نمی‌کنند.

در تبیین مقوله ارفاق می‌توان گفت که طبق نظریه انتظار^۱ ویکتور وروم (۱۹۶۴) که به تشخیص چگونگی انتخاب راه انجام کار، به وسیله افراد مربوط می‌شود. و به شرح علت این که چرا مردم یک رفتار را بر رفتار دیگری ترجیح می‌دهند و انتخاب می‌کنند، می‌پردازد؛ دانش‌آموزان ضعیف از آنجایی که انتظار دارند به آنها ارفاق شود و گرفتن این ارفاق برایشان خوشایند است پس انجام تلاش اضافی برای کسب نمرات خوب را جایز و ضروری نمی‌دانند. و با همین روال معمولی درس خواندن، می‌توانند ارفاق کافی را کسب کنند. و بر طبق نظریه تلاش های شخصی امونس، تلاش دانش‌آموزان در این سنجش نه از روی علاقه و به خاطر ارزشی است که برای درس و مدرسه قائلند، بلکه به دلایل بیرونی مثل فشار اجتماعی یا به خاطر انتظاری است که از آنها می‌رود، تلاش می‌کنند. و در این صورت آنها سلامت ذهنی نخواهند داشت، چون این تلاش نیازهای روانشناختی فطری آنها را ارضا نمی‌کند و آنها برای چیزی که می‌خواهند تلاش نمی‌کنند. همچنین در توضیح یکسان در نظر گرفتن بازه‌ای از نمرات و مشکلات ناشی از آن باید گفت که درک هر گونه ناهماهنگی^۲ بین حالت موجود و ایده‌آل فرد، باعث تجربه ناهمخوانی می‌شود که ویژگی انگیزشی دارد. بر طبق این نظریه افرادی که

^۱ . Expectancy theory

2. incongruity

دچار ناهمخوانی می‌شوند برای برطرف کردن آن، برنامه‌ریزی می‌کنند. در کاهش ناهمخوانی (یکی از انواع ناهمخوانی) که بر پایه بازخورد پی بردن به ناهمخوانی قرار دارد، برخی از جنبه‌های محیط مثل (بورس، مدیر و ...) درباره عملکرد عادی فرد بازخورد می‌دهند که او را از اختلاف عملکرد فعلی با عملکرد ایده‌آل، آگاه می‌سازد (ریو سازد (ریو، ۱۳۹۲). حال آنکه دانش‌آموزان در سیستم سنجش توصیفی بازخورد روشن روشن و دقیقی از عملکرد خود به‌خاطر ابهام در معیار سنجش، دریافت نمی‌کنند (مثلاً برای بازه نمرات ۱۷ تا ۲۰، نمره خیلی خوب می‌گیرند) و این نوع سنجش در دانش‌آموزان بین حالت موجود و ایده‌آل ناهمخوانی ایجاد نمی‌کند (چون نمره ۱۷ برای آنها معادل خیلی خوب یا همان ۲۰ است) در نتیجه دانش‌آموزان تلاش بیشتری برای ارتقا حالت موجود خود انجام نمی‌دهند.

یکی از مضامین فرعی دیگر قابل بحث در اینجا، ایجاد خوشحالی الکی است. چرا که دانش‌آموزان بر اساس نظریه اسناد، کسب نمرات خوب و یا خیلی خوب را نتیجه تلاش‌های شخصی خود نمی‌دانند و آن را به عوامل بیرونی چون ارفاق معلم نسبت می‌دهند، پس خوشحالی ناشی از آن را نیز درونی و واقعی نمی‌دانند. چون برخاسته از تلاش شخصی خود دانش‌آموز نیست پس برای کسب نمرات خوب تلاش نمی‌کنند. حتی دادن قبولی از سوی معلمان و به عبارتی قبولی خودبه‌خودی، موجب شده است که آنها موفقیت‌ها و صعود به پایه‌های بالاتر را جدای از تلاش خود بدانند که این امر می‌تواند در شکل‌گیری پایه‌های اساسی شخصیت دانش‌آموزان، زندگی تحصیلی، شغلی، شخصی و به‌طور کلی در رشد و پیشرفت‌های آتی دانش‌آموزان صدمات جبران‌ناپذیری را وارد کند. این تجارب منفی دانش‌آموزان از اجرای طرح سنجش توصیفی با پژوهش‌های خوش‌خلق و پاشاشریفی (۱۳۸۵)، حسینی (۱۳۹۳)، کشتی‌آرای، کریمی علویجه و فروغی ابری (۱۳۹۲)، زمانی‌فرد، کشتی‌آرای و میرشاه جعفری (۱۳۸۹) و صالحی و همکاران (۱۳۹۴) هماهنگ است. برای مثال نتایج تحقیق خوش‌خلق و پاشاشریفی (۱۳۸۵) نشان داد که برخی اهداف بهبود نگرش دانش‌آموزان نسبت به یادگیری، افزایش ماندگاری ذهنی (دوام و پایداری یادگیری)، توجه به اهداف سطوح بالاتر حیطه شناختی، تعمیق یادگیری، ایجاد فرصت اصلاح برای دانش‌آموزان و معلم

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

برای رفع کاستی‌های فرایند یادگیری، استفاده از بازخوردهای فرایندی در مسیر بهبود یادگیری، کاملاً تحقق نیافته‌اند یا زمینه‌های تحقق آنها هنوز فراهم نشده است. حسنی (۱۳۹۳) دریافت که از نگاه معلمان در نظام سنجش سنتی، نمره دانش‌آموز همانند تقویت‌کننده‌ای مثبت عمل می‌کرد که در نظام سنجش توصیفی به آن توجه نشده است. و این عامل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان است. همچنین کاهش رقابت سالم، ارتقای خودبخودی دانش‌آموزان، عدم کسب شناخت کافی از دانش‌آموزان از دیگر نتایج این تحقیق بود. کریمی علویجه و فروغی ابری (۱۳۹۳) در تحقیق خود نشان دادند که از دیدگاه معلمان حیطه‌های فرایند یاددهی_یادگیری و ارتقاء بهداشت روانی دانش‌آموزان موانع و چالش‌های پیش روی طرح سنجش توصیفی هستند. همچنین کاهش علاقه دانش‌آموزان و بی‌خیالی و بی‌توجهی به درس، پایین آمدن سطح علمی دانش‌آموزان و کم شدن تلاش آنها در منزل از دیگر مشکلات اجرای سنجش توصیفی است که نتایج تحقیق زمانی‌فرد، کشتی‌آرای و میرشاه جعفری (۱۳۸۹) می‌باشد. و تحقیق حسنی و ناهوکی (۱۳۹۲)، زارعی (۱۳۸۸) و حسنی و پوزش شیرازی (۱۳۹۲) در تضاد با این یافته است. نتایج تحقیق حسنی و ناهوکی (۱۳۹۲) نشان داد که میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان گروه سنجش توصیفی بیشتر از دانش‌آموزان گروه سنجش سنتی بود. زارعی (۱۳۸۸) در تحقیق خود نشان داد که مشارکت و فعالیت در کلاس، تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر و معلم در گروه سنجش توصیفی بیشتر از سنجش سنتی بوده است. همچنین حسنی و پوزش شیرازی (۱۳۹۲) دریافتند که الگوی سنجش توصیفی، میزان یادگیری دانش‌آموزان را کاهش نداده است. اما از منظر کاهش مولفه‌های استرس را باید گفت که سنجش توصیفی در این زمینه موفق عمل کرده است. و در آخر نتیجه تحقیق صالحی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که نبود سازوکار دقیق و منسجم در سنجش میزان یادگیری دانش‌آموزان، علاوه بر اینکه امکان شناسایی دقیق دانش‌آموزان توانمند و شایسته را کاهش می‌دهد، می‌تواند تبعات ثانویه دیگری را

به همراه داشته باشد. سلیه^۱ (۱۹۸۷) معتقد است که استرس چاشنی زندگی است و رهایی کامل از آن فقط با مرگ امکان پذیر است. شواهد منطقی و مستندات پژوهشی پژوهشی تأیید می کند که حذف بخش مثبت استرس از برنامه دانش آموزان به بهانه حفظ سلامت روانی، نتیجه ای معکوس به همراه خواهد داشت (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). بنا به نظریه یرکز و دادسون عملکرد، زمانی در بالاترین سطح قرار دارد که استرس بهینه وجود دارد. وقتی که استرس کم است و یا خیلی زیاد است، عملکرد پایین است و تنها زمانی که استرس در حد متوسط و بهینه است (استرس خوش خیم) عملکرد فرد نیز حداکثر است. بنا بر امر مسلم، افراط و تفریط در هیچ عملی درست نیست و همیشه وجود مقداری از استرس نه تنها مطلوب، بلکه ضروری است و نباید کاهش استرس دانش آموزان در سنجش توصیفی را یک نکته مثبت به حساب آورد بلکه موجب بروز بی خیالی و بی توجهی دانش آموزان در امور مربوط به مدرسه شده است. واکاوی نظرات و دیدگاه های دانش آموزان ابتدایی در خصوص اجرای سنجش توصیفی همچنین نشان دهنده احساس خوشایند برخی از دانش آموزان گروه متوسط و ضعیف از اجرای این طرح می باشد که امکان ارفاق و همچنین وجود ابهام در نمره و مشخص نبودن نمره دقیق دانش آموز عامل به وجود آورنده مزایایی از قبیل افزایش تلاش برای کسب نمره بدون ارفاق در دفعات بعدی، افزایش علاقه، دریافت تشویق والدین، کاهش رقابت و تمسخر دوستان و راحت شدن قبولی می باشد. عادت به این نوع سنجش و احساس آرامش در آن، یکی دیگر از نکات مثبت اجرای این طرح از دیدگاه آنهاست. که مطالعات (نامور، راستگو، ابوالقاسمی و درخشنده، ۱۳۸۹؛ زاهدبابلان، فرج الهی و همزنگ، ۱۳۹۱ و زمانی فرد، کشتی آرای و میرشاه جعفری، ۱۳۸۹) همسو با این یافته اند که نشان دادند سنجش توصیفی، تلاش و رقابت بین دانش آموزان را کاهش داده است. حسنی و احمدی (۱۳۸۴) نشان داد که سنجش توصیفی موجب کاهش فشار و رقابت های زیان آور در کلاس های درس در مدارس می شود، محیط یادگیری را برای یادگیری هرچه مطلوب تر دانش آموز آماده می سازد. و به رشد و افزایش افزایش عزت نفس آنها

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

کمک می‌کند. زمانی فرد و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که حسادت بین دانش‌آموزان در این طرح بسیار کم شده است، رقابت‌های ناسالم، بدبینی، دشمنی، صحبت علیه دانش‌آموزان دیگر، کمک نکردن به همکلاسی‌ها و انتقام‌جویی حذف و رقابت سالم ایجاد شده، تأثیرات بد حاصل از نمره کم برای دانش‌آموزان ضعیف (طرد شدن، احساس حقارت، زیر پا له شدن، سرکوب شدن، انگشت‌نمایی و ...) در این طرح حذف شده است. همچنین خوش‌خلق و پاشاشریفی (۱۳۸۵) دریافتند که با اجرای سنجش توصیفی، اضطراب امتحان دانش‌آموزان بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد و می‌تواند به معلمان، دانش‌آموزان و والدین آنها این درس مهم را بیاموزد که اضطراب حاصل از نمره غیرواقعی و از همه مهم‌تر قابل کنترل است. همچنین به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا با حداقل اضطراب، یادگیری را تجربه کنند. این در حالی است که رقابت ماهیتاً امری نامطلوب به شمار نمی‌رود و میزانی از آن برای ایجاد پویایی در دانش‌آموزان و افزایش حس مسئولیت‌پذیری آنان نسبت به پیشرفت تحصیلی خود لازم به نظر می‌رسد. رقابت زمانی مُخرب است که تبدیل به هدف شود، فراتر از توانایی فرد باشد و یا اینکه بیشتر از تهییج حس تعاون و همیاری، بر رقابت تأکید شود و به جای رقابت سازنده، بر موفقیت به هر شکل ممکن تأکید شود. بنابراین کاهش افراطی حس رقابت-جویی در دانش‌آموزان، نه تنها نمی‌تواند مطلوب باشد، که از اثرات نامطلوب محسوب می‌گردد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). همانطور که دانش‌آموزان قوی که در این پژوهش حضور داشتند کاهش رقابت را یک عامل منفی و یکی از مشکلات اجرای طرح سنجش توصیفی گزارش کردند.

بررسی تجارب دانش‌آموزان قوی از نظر وضعیت تحصیلی همچنین نشان می‌دهد که آنها با وجود اینکه اظهار داشتند اجرای طرح سنجش توصیفی مزایایی به نفع آنها ندارد و علاوه بر آن آثار نامطلوب و مشکلاتی را در رابطه با امور درسی و ویژگی‌های فردی به وجود آورده بلکه همه آنها قویاً معتقد بودند که اجرای چنین طرح نسنجیده‌ای با در نظر نگرفتن طرح‌ها و برنامه‌های ترمیمی و تکمیلی، به ضرر دانش‌آموزان ضعیف است و با بیان مشکلاتی مانند نوعی سرپوش بودن سنجش توصیفی، افت تحصیلی بیشتر، بی‌سواد بار آمدن، دادن قبولی غیرواقعی به کمک

معلمان، بی‌توجهی و بی‌تفاوتی معلمان به کیفیت آموزشی آنها و بی‌توجه و بی‌خیال شدن دانش‌آموزان ضعیف سرکلاس؛ نگرانی خود از آینده تحصیلی و زندگی اجتماعی اجتماعی و شخصی دانش‌آموزان ضعیف و شاید بتوان گفت تأسف خود را نشان دادند. تحقیق حسنی (۱۳۹۳) همسو با این یافته نشان داد که بی‌سواد و مشکلات یادگیری ناشی از سنجش توصیفی برای پایه‌های بالاتر از چالش‌های اجرای آن است. همچنین صالحی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که پرورش نامطلوب دانش‌آموزان با سطح سواد ناکافی، عدم امکان کسب شناخت دقیق از دانش‌آموزان شایسته و توانمند، پرورش نامطلوب دانش‌آموزان بی‌انگیزه نسبت به پیشرفت تحصیلی، پرورش نامطلوب دانش‌آموزان با مسئولیت‌پذیری پایین، ناشناخته ماندن ضعف‌های دانش‌آموزان و در نتیجه بروز احساس بی‌لیاقتی و کاهش اعتماد به نفس در برخی دانش‌آموزان (درماندگی آموخته شده) از آسیب‌های احتمالی برنامه سنجش توصیفی است. کریمی (۱۳۸۳) نشان داد که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی ایران در دروس ریاضی، علوم و سواد خواندن بسیار پایین است. و نتیجه تحقیق قبادی چهارراه‌گشین، فانی و فلاحتی (۱۳۹۳) حاکی از تأثیر معنادار سنجش توصیفی بر دو مهارت خواندن و نوشتن دانش‌آموزان بوده است. از دیدگاه برخی از دانش‌آموزان قوی، سنجش توصیفی مناسب پایه‌های پایین تحصیلی مثل کلاس اول و دومی هاست. و این به خاطر شادی‌ای است که سنجش توصیفی با کتمان میزان غلط‌های آنها برایشان به ارمغانمی‌آورد و متعاقباً تمجید و تشویق والدینشان شامل حال‌شان می‌شود. همسو با این یافته، محمدی‌فر، نجفی، رزم‌آرا و محمدزاده (۱۳۹۰) دریافتند که دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی که به روش توصیفی ارزیابی شدند، پیشرفت تحصیلی بالا و اضطراب امتحان پایین داشتند. و در تضاد با این یافته تحقیق حسنی (۱۳۹۳) نشان داد که اجرای طرح سنجش توصیفی مناسب پایه‌های پایین به‌ویژه کلاسی اول نیست. زیرا دانش‌آموزانی که حروف الفبا را یاد نگرفته‌اند، بطور غیر قابل قبولی به پایه‌های بالاتر تحصیلی می‌روند.

آخرین یافته پژوهش حاضر از بررسی تجارب دانش‌آموزان این بود که طرح سنجش توصیفی مورد پسند والدین دانش‌آموزان ضعیف است چرا که این طرح از هزینه دوباره والدین جهت تکرار پایه فرزندان آنها جلوگیری می‌کند. و با پوشش

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

ضعف فرزندان‌شان به آنها احساس غرور و سربلندی کاذب می‌بخشد. هماهنگ با این یافته، تحقیق ساعی ارسی و محمدزاده (۱۳۸۹) نشان داد که از نظر اولیای دانش‌آموزان، طرح سنجش توصیفی از موفقیت نسبتاً زیادی برخوردار است. همچنین پژوهش‌های مرتضایی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ سبجانی و حسنی، ۱۳۸۵؛ و شکرالهی، ۱۳۸۵، نقل از حسنی و احمدی، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد که والدین نگاه مثبتی نسبت به سنجش توصیفی دارند و به نظام سنجش سنتی نگاه بدبینانه دارند. در تضاد با این یافته، خوش‌خلق و پاشاشریفی (۱۳۸۵) در تحقیق خود نشان دادند که یکی از اهداف سنجش توصیفی، کاهش حساسیت والدین به نمره است که این امر کاملاً تحقق نیافته است یا زمینه تحقق آن هنوز فراهم نشده است. و همچنین تحقیق حسنی (۱۳۹۳) نشان داد که والدین در مورد سنجش توصیفی به خوبی توجه نشده‌اند و ناآگاهی والدین در این زمینه باعث سردرگمی آنها و متعاقباً ایجاد انتظارات نابه‌جا در آنها شده است. در پایان توجه مسئولین امر به پیشنهادها و راهکارهای زیر جهت جلوگیری از آسیب‌ها و مشکلات برشمرده و بهبود وضعیت فعلی راه‌گشا باشد.

درپایان بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود: با توجه به اینکه سطح مطلوب و بهینه-ای از استرس و رقابت سالم بین‌فردی جهت رشد و پیشرفت همه‌جانبه دانش‌آموزان ضروری است. لذا مطالعات گسترده و جامعی در خصوص چرایی و چگونگی کاهش استرس طبیعی دانش‌آموزان در مدارس امروزی، از سوی پژوهشگران یا اساساً از طریق آموزش و پرورش صورت گیرد تا با پیشنهاد و به‌کارگیری راهکارهایی اصولی و لو برگشت به سنت دیرینه سنجش، بتوان آن استرس و برانگیختگی بهینه را به عنوان پتانسیل و محرک پیشرفت دانش‌آموزان، دوباره وارد بدنه آموزش و پرورش کرد. بعلاوه با توجه به وجود دیدگاه‌های بدبینانه دانش‌آموزان ابتدایی نسبت به کیفیت تدریس و سنجش معلمان و اثرات سنجش توصیفی، پیشنهاد می‌شود معلمان در فرآیند تصمیم‌گیری امور مربوط به کلاس درس و مدرسه مشارکت داده شوند. تا با برگزاری جلسات توجیهی، آماده‌سازی و رفع نواقص در بین همکاران جهت از بین بردن مشکلات اجرایی طرح، گام‌های موثری در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش برداشته شود و این

مهم با فراهم‌سازی بستر مناسب برای افزایش فعالیت‌های کانون صنفی و انجمن‌های علمی آنان عملی‌تر می‌شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود مسئولین وزارت آموزش و پرورش با اجرای طرح‌های تکمیلی و ترمیمی بر کاهش مشکلات اجرای طرح سنجش توصیفی نظارت داشته باشند و همچنین تمهیداتی را به جهت تغییر شرایط قبولی و مردودی دانش‌آموزان در این طرح و به‌قول دانش‌آموزان جلوگیری از قبولی خودبه‌خودی و غیرواقعی بپنداشند.

منابع

برزگر بفرویی، کاظم و دانافر، عباسعلی (۱۳۹۱). مقایسه الگوهای یادگیری سازگار در مدارس مجری طرح ارزشیابی توصیفی و نظام سنتی. *فصلنامه علمی-ترویجی راهبردهای آموزش*، ۱(۳): ۹۵-۱۰۳.

حاج‌باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش (۱۳۹۴). روشهای تحقیق کیفی. تهران: انتشارات بشری.

بهمن، بهاره؛ کیامنش، علیرضا و ابوالمعالی خدیجه (۱۳۹۲). مقایسه اضطراب مدرسه و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان پایه چهارم در دو سیستم ارزشیابی سنتی و توصیفی. *پژوهش در برنامه ریزی درسی*، ۱۰(۱۲): ۹۳-۱۰۷.

حسنی، پورشیرازی (۱۳۹۲). بررسی تحلیلی تحقیقات انجام شده در موضوع ارزشیابی کیفی توصیفی. *مجله علوم تربیتی*، ۲۱(۱): ۲۱-۵۰.

حسنی، رفیق (۱۳۹۳). تجربه‌های معلمان مدارس ابتدایی از اجرای طرح ارزشیابی توصیفی. *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و سنجش آموزشی*، ۴(۷): ۳۳-۶۰.

حسنی، محمد و احمدی، حسین (۱۳۸۴). *سنجش توصیفی الگویی نو در ارزشیابی تحصیلی*. تهران: انتشارات مدرسه.

حسنی، محمد و نصرت‌ناکوهی، عبدالسلام (۱۳۹۲). مقایسه میزان عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در برنامه ارزشیابی کیفی و توصیفی و سنجش سنتی. *فصلنامه نوآوریهای آموزشی*، ۱۳(۴۹): ۱۰۸-۱۲۴.

حمزه‌بیگی، طیبه؛ یاسینی، زهرا سادات؛ فروزبخش، فیروزه؛ طاهری، حسن؛ احمدی، آمنه و رستگار، طاهره (۱۳۹۴). *راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی*. ناشر: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

تجارب دانش‌آموزان پسر ابتدایی از اجرای سنجش توصیفی

خوش خلق، ایرج و پاشاشریفی، حسن (۱۳۸۵). ارزشیابی اجرای آزمایشی ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی برخی از مناطق آموزش کشور (۸۵-۱۳۸۴). فصلنامه تعلیم و تربیت، ۴(۲۲): ۱۴۸-۱۷۷.

داودی، رسول و شکرالهی، محبوبه (۱۳۹۰). مقایسه روش‌های ارزشیابی توصیفی و سنتی بر اساس استانداردهای چهارگانه ارزشیابی از دیدگاه معلمان مدارس ابتدایی شهر تهران. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۸(۴): ۲۵-۳۵.

ریو، جان مارشال (۱۳۹۲). انگیزش و هیجان (ترجمه یحیی سید محمدی). تهران: نشر ویرایش. زارعی، اقبال (۱۳۸۸). تاثیر ارزشیابی توصیفی بر خلاقیت و مشارکت یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم دبستان در شهر بندرعباس. مجله علوم تربیتی (علوم تربیتی و روانشناسی)، ۱۶(۲): ۷۹-۹۲.

زاهدبابلان، عادل؛ فرج‌الهی، مهران و هم‌رنگ، محمد (۱۳۹۱). عوامل موثر در کاربرد ارزشیابی توصیفی از دیدگاه معلمان ابتدایی. نشریه علمی - پژوهشی فناوری آموزشی، ۷(۱): ۴۵-۵۴. زمانی فرد، فاطمه؛ کشتی‌آرای، نرگس و میرشاه‌جعفری، سیدابراهیم (۱۳۸۹). تجارب معلمان ابتدایی از اهداف طرح ارزشیابی توصیفی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی)، ۷(۲۵): ۳۹-۵۲.

ساعی ارسى، ایرج و محمدزاده، شاپور (۱۳۸۹). بررسی نگرش مدیران، معاونان، معلمان و والدین دانش‌آموزان ابتدایی درباره‌ی طرح ارزشیابی توصیفی (مطالعه موردی پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی در مناطق منتخب شهر تهران در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸). فصلنامه علوم رفتاری، ۲(۶): ۱۰۹-۱۲۹.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۲). سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی (چاپ چهارم). تهران: نشر دوران.

صالحی، کیوان؛ بازرگان، عباس؛ صادقی، ناهید و شکوهی‌یکتا، محسن (۱۳۹۴). بازنمایی ادراکات تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی. فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و سنجش آموزشی، ۵(۹): ۵۹-۹۹. قبادی چهارراه‌گشین، کاووس؛ فانی، حجت‌اله و فلاحی، ویدا (۱۳۹۳). تاثیر ارزشیابی توصیفی بر مهارت‌های خواندن و نوشتن دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی)، ۱۱(۱۳): ۱۱۵-۱۲۸.

کرمعلیان، حسن؛ جعفری هرنند، رضا و عبادی، سید حسین (۱۳۹۲). بررسی مشکلات اجرای ارزشیابی کیفی توصیفی از دیدگاه معلمان و مدیران مدارس ابتدائی. **مجله رویکردهای نوین آموزشی**، ۸ (۲): ۷۳-۹۲.

کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۳). **بررسی نتایج مطالعه بین المللی پیشرفت سواد خواندن پرلز (PIRLS) ۲۰۰۱**. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

کشتی آرای، نرگس؛ کریمی علویجه، اکرم و فروغی ابری، احمدعلی (۱۳۹۲). شناسایی موانع و چالش های اجرای طرح ارزشیابی توصیفی. **پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی- برنامه ریزی درسی)**، ۱۰ (۱۲): ۵۳-۶۸.

مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۲). تهران: انتشارات وزارت آموزش و پرورش.

محمدی فر، محمدعلی؛ نجفی، محمود؛ رزم آرا، صمد و محمدزاده، علی (۱۳۹۰). تاثیر ارزشیابی های توصیفی و سستی بر پیشرفت تحصیلی و اضطراب امتحان دانش آموزان پایه دوم مقطع ابتدایی شهر تهران. **فصلنامه روانشناسی تربیتی**، ۷ (۲۰): ۳۳-۴۹.

نامور، یوسف؛ راستگو، اعظم؛ ابوالقاسمی، عباس و سیف درخشنده، سعید (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه اثربخشی اجرای ارزشیابی کیفی توصیفی و سنجش سستی بر مهارت های اجتماعی دانش آموزان ابتدایی. **مجله علوم تربیتی**، ۳ (۱۲): ۱۴۳-۱۵۲.

نیک نژاد، سهیلا (۱۳۸۶). مقایسه تاثیر نوع ارزشیابی (کیفی- کمی) بر میزان اضطراب مدرسه دانش آموزان پایه سوم دبستان های شهر تهران. **پایان نامه کارشناسی ارشد**. دانشگاه پیام نور تهران.

Edward K. Changn & Paul F. Wimmers. (2017). Effect of Repeated/Spaced Formative Assessments on Medical School Final Exam Performance. *Health Professions Education*, 3(1):32-37.

Larsen, D. P., Butier. H. L. & Roediger. (2008). Test-enhanced learning in medical education. *Medical Education*, 42: 959-966.

Loukas, A. & Murphy, J. (2007). Middle school student perceptions of school climate. Examining protective function on subsequent adjustment problems. *Learning Environments Journal*, 12: 85-99.

Rolfe, I., McPherson, Jean. (1995). Formative assessment: how am I doing?. *The Lancet*, 345: 837-839.